منوچهر جمالی

آفرین کردن و نفرین کردن ملت

آفرین کردن ، در فرهنگ کهنسال ایران، دادن رأی، « بی نوشتن آن در ورقه ای» بوده است . آفرین کردن ، پیشینه کهنسال ایرانیان در انتخاب رهبر ، و نفرین کردن ، شیوه انداختن کسی از رهبری بوده است . امروزه ، انتخابات ، با دادن رأی نوشته ، که شمردنی هم هست ، امتداد همان پیشینه میباشد . در شاهنامه ، همه مردم و سپاه، به « ایرج » آفرین میکنند، و سلم و تور، از همین آفرین کردن به ایرج ، به وحشت میافتند ، چون این کار، به معنای « نفرین کردن سلم و تور» ، و گرفتن حقانیت از آنها و عزل آنها از شاهی بوده است . ایرج ، نخستین رهبر و الگوی رهبری ایران هست . «ایرج » که نامش در تحفه حکیم موءمن به شکل » ایریزا « باقیمانده است، و نام گل « عشبه النار» یا یاسمین است ،اینهمانی با « زنخدا خرم یا ارتا فرورد » دارد ، بیان آنست که شاه ایران ، خرم ست ،که نام دیگرش « هما » بوده است . « هما یا ارتا ، حق و عدالت و قانون » است . بهمن ، « ارکه » یا «اصل ساماندهی » است که اینهمانی با « خرد کاربند » دارد . »ارتا و بهمن « در بن هر انسانی هستند . بهمن ، اصل نا پیداست که در « ارتا ،یا هما » پیدایش می یابد . بنا براین ، حکومت و نظم حقیقی ، در اثر همپرسی (دیالوگ) خردهای انسانها با یکدیگر در اجتماع ، پدیدار میشود.وقتی ملت با خردهایشان با همدیگر در باره ساماندهی اجتماع با هم بیاندیشند، ملت، شاه (= هما یا سیمرغ) یا حکومت میشود . به عبارت دیگر ، بهمن در این همپرسی ملی، تحول به شاه (هما= سیمرغ) یا حکومت می یابد . هر حکومتی، جز این ، از فرهنگ ایران ، طرد میگردد . همه شکلهای دیگر حکومتی ، باید ،در « هماندیشی اجتماعی ،و

ساماندهی اجتماعی » ، در روند تاریخ ،از بین بروند. چون « این بهمن و ارتا » ، بن هر انسانیست، پس هرگامی که در اجتماع و سیاست، در این راستا و سو برداشته شود ، اجتماع از نهادش بدان ،آفرین میگوید . این بیان آنست که ملت ایران ،باید به هر رهبری و یا هرحکومتی ، همیشه از نو ، آفرین کند ،تا آن رهبرو حکومت، حقانیت موقت داشته باشد ، تا کم کم فقط ملت ، خودش رهبر و حکومت همیشگی بشود . این ملت هست که « سرچشمه حقانیت حکومت » است . « نفرین کردن » همان « روند آفرین نکردن » به یك حاکم و رهبر و یا حکومتست . آفرین نکردن، نفرین کردنست . در فرهنگ ایران ، با نفرین ملی ، حقانیت از هر رهبری وشاهی و هر گونه حکومتی(رژیمی)، گرفته میشود . بدین سان باید نظامی در ایران، پیدایش یابد ،که حاضر باشد با همان « نفرین ملت» ، بدون کاربرد زور و انقلاب از ملت ، دست از قدرت بکشد . حکومتی و ر ژیمی که اعتناء به نفرین ملت نمیکند ، هیچگونه حقانیتی ندارد. نفرین کردن ، ابراز آنست که ملت، سرچشمه دادن حقانیت است. ملت ایران، با امتناع کردن ازدادن رأی،کل يك رژیم یا حاکم یا سلطان را ،نفرین میکند. شاه و حاکم حقیقی ، همیشه خود ملت هست . مسئله«انتخاب میان نامزد های از پیش برگزیده » را ، با نفرین ، با یك ضربه ، تبدیل به « بی ارزش بودن وفقدان اعتبار کل رژیم » میکند .این کار، مساوی با تصمیم قاطع ملت، برای نفی رژیم کنونی، یا هر رژیمی (State) و هر دولتی(Government) درآینده است . قاطبه ملت، با آفرین نگفتن به این و آن ، تمامیت رژیم را نفرین میکند، و حق تأسیس مجدد رژیمی دیگر ، باز به خود ملت باز میگردد. عدم انتخاب دولت(Goverment) ، بخودی خود ، تبدیل به عدم انتخاب رژیم(حکومت State) میشود. این ملتست که همیشه،حق تأسیس رژیم دارد،تا آنکه خودش،در دیالوگ ملی بر پایه خردش ، اینهمانی با حکومت بیابد، تا خود ملت ، شاه بشود . انتخاب نکردن ، نشان نفرین کردنست. تکرار این اعتراض ملت از انتخاب، نامه عزل رژیم یا حکومت (State) است . سر باز زدن پي در پی

ملت از انتخاب دولت (Government) ، این معنا را میدهد که ملت ، رژیم ،یعنی حکومت (Stata) را نفرین میکند، و نامه عزل آن رژیم را صادر کرده است . رأی دادن ، آفرین گفتن است، و رأی ندادن ، نفرین کردنست . سکوت و خاموشی ملت هم ، نشان نفرین ملت است . سکوت ملت ، برترین نفرین است .